

## شخصیت و آرای کلامی علی بن اسماعیل میثمی

امید علی پور علیایی\*

محمد غفوری نژاد\*\*

### چکیده

علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم تمار از اصحاب امام رضا (ع) و از شخصیت‌های علمی بسیار برجسته قرن دوم و سوم است. نجاشی وی را از شخصیت‌های کلامی شیعه خوانده و ابن ندیم او را نخستین شخصیتی معرفی کرده که بر اساس مذهب امامیه «تکلم» کرده است. احوال شخصیه علی بن اسماعیل میثمی، تفسیر این سخن ابن ندیم و وجه جمع آن با این حقیقت که شخصیت‌هایی همچون هشام بن حکم از نظر زمانی بر ابن میثم متقدم‌اند، بخشی از محتوای این مقاله را تشکیل می‌دهد. در بخش دیگر، دیدگاه‌های اعتقادی ابن میثم در باب حقیقت ایمان، توحید (اثبات صانع، اتهام تشبیه و تجسیم، اراده خداوند)، نبوت (منبع علم پیامبران، معجزات پیامبر اسلام (ص)) امامت (ضرورت وجود امام، گستره و منابع علم امام، ولایت تکوینی امام و مباحث امامت خاصه) بر اساس روایات برجای مانده از او و گزارش‌های منابع تاریخی، رجالی و فرقه‌شناختی مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: علی بن اسماعیل میثمی، ابن میثم، مکتب کلامی کوفه، مکتب کلامی بصره، شاگردان هشام بن حکم.

---

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

\*\* استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب قم ghafoori\_n@yahoo.com

## درآمد

در شرح حال محدثان و عالمان شیعی، به شخصیت‌هایی از تبار یار باوفای حضرت علی (ع) برمی‌خوریم که در اصطلاح دانشوران رجال به «بنومیشم» (ابن‌بطریق، ۱۴۰۷: ۲۹۸) یا «میشمی» شهره‌اند (تمیمی‌سمعی، ۱۳۸۲: ۵۱۸/۱۲). مشهورترین شخصیت این خاندان علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم بن یحیی التمار، معروف به ابوالحسن میثمی، از اصحاب امام رضا (ع) و از موالی بنی‌اسد است (طوسی، ۱۳۷۳: ۱۷/۱).

## ۱. احوال شخصیه

درباره وفات ابن میثم تاریخ‌های متعددی ذکر شده است، اما آنچه به واقع نزدیک‌تر می‌نماید اوایل قرن سوم است (ذهبی، ۱۴۱۹: ۳۱۶/۱۲؛ برای اقوال دیگر در این باب و ارزیابی آن نک.: علی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۲). وی کوفی‌الاصل بوده و بعدها به بصره نقل مکان کرده است (اشعری، ۱۳۶۰: ۲۳۹). احتمالاً او به دلیل حضور فعال معتزلیان در بصره به این شهر نقل مکان کرده است. مناظرات متعددی که ابن میثم با سران معتزله همچون ابوهدیل علاف و نظام داشته می‌تواند کاشف از آن باشد که وی به دنبال نقد افکار معتزله و گروه‌های دیگر در آن منطقه بوده است.

## ۲. جایگاه علمی

شواهد حکایت از آن دارد که علی بن اسماعیل جز کلام، در فقه و تاریخ امامان نیز دستی داشته است. در کتب اربعه شیعه، روایات فقهی رسیده از او را علما و فقهای بزرگی همچون محمد بن حسن ابن ولید، صدوق (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۷۸) و طوسی (طوسی، ۱۴۰۷: ۷۹/۸) نقل کرده‌اند. آورده‌اند که علی بن اسماعیل در دوره خود از همگان آگاه‌تر و آشناتر به تواریخ زندگانی و فرزندان ائمه (ع) و از عارفان به تاریخ بوده است (صدوق، ۱۳۷۲: ۱۴/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۱: ۳۳۷/۴).

نجاشی در معرفی او تعبیر «من وجوه المتکلمین» را به کار برده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۱). این نشان می‌دهد که علی بن اسماعیل در زمان خود از شخصیت‌های برجسته در کلام بوده است. مسعودی در تاریخ خود به جلسات مناظره و گفت‌وگویی اشاره کرده

## شخصیت و آرای کلامی علی بن اسماعیل میثمی / ۷

که یحیی بن خالد برمکی، وزیر عباسیان، تشکیل می‌داده و ابن میثم در آن شرکت داشته و سخن می‌رانده است (مسعودی، ۱۳۸۵: ۳/۳۷۱).

ابن میثم در کلام، شاگرد هشام بن حکم است (کشی، ۱۳۶۳: ۲/۵۶۰). او به دلیل شاگردی هشام تکفیر شد و به زندان افتاد (همان: ۲/۲۶۳). هرچند چنان‌که خواهیم دید، در مسائلی همچون اراده الاهی، ایمان، تحدیث و الهام به ائمه (ع) و مالکیت امام بر زمین با استاد خویش اختلاف نظر دارد. علی بن اسماعیل از هشام با عبارت «عضدنا و شیخنا والمنظور الیه فینا» یاد کرده و آورده است که اگر هشام کشته شود علم با او دفن می‌شود (همان: ۲/۲۶۳). این گزارش می‌تواند دلیلی بر اوج شیفتگی و دلدادگی ابن میثم به شخصیت علمی هشام بن حکم تلقی شود.

از دیگر نکات شایان ذکر در باب جایگاه ابن میثم در دانش کلام، سخنی است که نخستین بار ابن ندیم در فهرست خود درباره او ابراز کرده و از آنجا به برخی منابع بعدی راه یافته است. ابن ندیم آورده است که: «اول من تکلم علی مذهب الامامیه، علی بن اسماعیل بن میثم التمار» (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۲۲۳). این سخن ابن ندیم، فارغ از تفاسیر گوناگون و نقض و ابرام‌هایی که برخی بر آن روا داشته‌اند، کاشف از نگاهی است که حدود یک و نیم قرن پس از وفات ابن میثم، در میان اهالی علم و فرهنگ در بغداد آن روزگار، راجع به وی وجود داشته است. طرفه آنکه، شیخ طوسی نیز حدود یک قرن پس از ابن ندیم، همین سخن را تکرار کرده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۶۳).

از لحاظ اهمیتی که این ادعای ابن ندیم دارد و هم از این‌رو مناقشاتی که در میان رجال‌شناسان و تراجم‌نگاران بعدی برانگیخته است، جا دارد درباره آن کند و کاو بیشتری کنیم.

### ۳. کنکاشی درباره ادعای ابن ندیم

اشاره کردیم که نخستین بار ابن ندیم علی بن اسماعیل را نخستین کسی در میان امامیه معرفی کرده است که به کار کلامی پرداخته و او را «اول من تکلم علی مذهب الامامیه» خوانده است. شواهد حاکی از آن است که این سخن در میان پسینیان دو گونه واکنش برانگیخته است. شیخ طوسی، که می‌دانیم در تألیف فهرست خود به فهرست ابن ندیم نظر داشته، این سخن را نقل و تلقی به قبول کرده است (همان: ۲۶۳). حلی در

خلاصة الاقوال (حلی، ۱۴۱۱: ۹۳) و ابن داوود در کتاب رجال (ابن داوود حلی، ۱۳۴۲: ۲۳۸) نیز به تبع شیخ طوسی ادعای ابن ندیم را تکرار کرده‌اند. از متأخران نیز قهپایی در مجمع الرجال (قهپایی، ۱۳۸۴: ۱۶۷/۴) و موسوی خویی در معجم رجال الحدیث (موسوی خویی، ۱۳۹۸: ۲۷۵/۱۱ و ۲۷۸) این مطلب را آورده و آن را تلقی به قبول کرده‌اند.

از حدود ۵۰ منبع تاریخی و رجالی اهل سنت که بررسی شد، منابعی همچون الکامل ابن اثیر (ابن اثیر، ۱۴۰۸: ۱۷۶/۴)، تاریخ مسعودی (مسعودی، ۱۳۸۵: ۳۷۱/۳)، تلخیص المتشابه (بغدادی، ۱۴۲۴: ۲۴۹/۱)، تاریخ بغداد (بغدادی، بی تا: ۹۸/۶) متعرض حال علی بن اسماعیل شده‌اند، ولی از آنچه ابن ندیم آورده سخنی نرانده‌اند. در این میان، فقط در دو کتاب المواعظ والاعتبار بذکر الخطط والآثار (مقربزی، ۱۴۱۸: ۱۸۰/۴) و هدیه العارفین<sup>۱</sup> (بابانی بغدادی، ۱۹۵۱: ۶۶۹/۱)، علی بن اسماعیل «اول من تکلم علی مذهب الامامیه» خوانده شده است؛ و در ذیل آن اسماء تمام آثار را آورده است. این دو اثر آورده‌اند که اولین کسی که در مذهب امامیه به کار کلامی پرداخته علی بن اسماعیل بن میثم تمار معرفی شده است.

از دیگر سو، نجاشی، که از حیث دقت نظر در میان رجالیان شهره است، با آنکه فهرست ابن ندیم و فهرست شیخ طوسی را در اختیار داشته، به همین اندازه که ابن میثم را از شخصیت‌های شیعه در فن کلام دانسته اکتفا کرده و به ادعای ابن ندیم وقعی ننهاده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۱).

در میان رجالیان پسین، تبریزی در معجم الثقات (تجلیل تبریزی، ۱۴۰۴: ۳۱۹)، مجلسی در رجال (مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۸۲)، و تفرشی در نقد الرجال نیز (تفرشی، ۱۴۱۸: ۲۳۲/۳) به نجاشی اقتدا کرده و سخن ابن ندیم را نادیده گرفته‌اند. برخی از آنان به صراحت این مطلب را توهمی بیش ندانسته و گفته‌اند این سخن که او اولین کسی است که در امامیه به بحث و مناظره پرداخته است درست نیست. زیرا قبل از او هشام بن حکم به بحث و مناظره پرداخته است (تستری، ۱۴۱۵: ۳۷۱/۳).

حال باید معلوم کنیم که مراد ابن ندیم از سخنش چه بوده و آیا می‌توان محمل صحیحی برای ادعای او، که بزرگانی همچون شیخ طوسی، حلی و ابن داوود نیز تکرار کرده‌اند یافت؟

در تفسیر کلام ابن ندیم دو احتمال هست: نخست آنکه «اول من تکلم» را به نخستین

مناظره‌کننده بر مذهب امامیه تفسیر کنیم. دو دیگر آنکه، بگوییم مراد ابن‌ندیم نخستین کسی است که در باب نظریه امامت شیعی دست به تألیف کتاب زده است.

درباره احتمال نخست برخی محققان بر آن شده‌اند که مراد از کلامی که بنا به ادعای ابن‌ندیم نخستین بار ابن‌میثم بدان پرداخته، کلام در قالبی فنی و رسمی بوده است نه مباحث و مناظرات کلامی معمول که قبل از او نیز مطرح بوده است. بنابراین، سخن ابن‌ندیم بدان معنا است که ابن‌میثم نخستین کسی است که به صورت فنی و ساختارمند به مناظرات کلامی پرداخته است (مددی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

احتمال دوم آن است که بگوییم مراد ابن‌ندیم آن بوده است که علی بن اسماعیل نخستین مؤلف در کلام امامیه بوده و اولین کتاب کلامی در اعتقادات امامیه یا مباحث امامت را او نگاشته است.

در مقایسه‌ای اجمالی احتمال نخست با ظاهر سخن ابن‌ندیم سازگارتر است و احتمال اخیر خلاف ظاهر می‌نماید. درباره این احتمال نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ گروهی همچون مطهری (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۳/۳) و حسن‌زاده آملی (حسن‌زاده آملی، ۱۳۶۵: ۲۵۵) سخن ابن‌ندیم را بر آن حمل کرده و آن را تلقی به قبول کرده‌اند، و دیگری با استناد به اینکه قبل از علی بن اسماعیل تصنیفاتی در باب امامت موجود بوده این نظر را رد کرده‌اند.

در تحلیل تفسیر دوم از سخن ابن‌ندیم، که بر ارجاع «اول من تکلم» به «اول من صنف» استوار است، توجه به یک نکته ضروری است. نجاشی در عداد آثار هشام از کتابی با نام *المجالس فی الامامة* (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۳۳) یاد کرده است. از دیگر سو، به ابن‌میثم هم کتبی نسبت داده که از آن جمله کتاب *مجالس هشام بن حکم* است (همان: ۲۵۱). این احتمال وجود دارد که این کتاب ابن‌میثم همان کتاب *المجالس فی الامامة* باشد که به هشام بن حکم نسبت داده شده است. زیرا در آن دوران جمع‌آوری سخنان استاد در مجالس و مناظرات به همت برخی شاگردان مرسوم بوده است. چنان‌که علی بن منصور نیز کتاب *التدبیر* را از سخنان استاد خود هشام جمع کرده است (همان: ۲۵۰؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۹۴). طبیعی است که در چنین موقعیت‌هایی کتاب گاه به صاحب مطالب نسبت داده می‌شود و گاه به کسی که سخنان او را تدوین و تقریر کرده است. ابن‌ندیم خواسته است علی بن اسماعیل را نخستین مؤلف اثری کلامی بر اساس مذهب امامیه معرفی کند.

#### ۴. آرای کلامی ابن میثم

مطالعه آرای اندیشمندان عصر حضور از دو جهت مهم است. نخست آنکه، این آرا را می‌توان انعکاسی از دیدگاه‌های ائمه (ع) دانست و بر اساس آن به تفسیر احادیث رسیده از معصومان دست یازید. دو دیگر آنکه، آرا و اندیشه‌های کلامی آنان در تدوین تاریخ جامع کلام امامیه تأثیرگذار بوده و از ضروریات علمی قلمداد می‌شود. در این مجال بر اساس گزارش‌های موجود، مروری بر اهم آرای کلامی علی بن اسماعیل میثمی به عنوان شخصیتی که به جریان فکری هشام بن حکم متعلق است، خواهیم داشت.

#### ۴.۱. معنای ایمان از نگاه علی بن اسماعیل

در نگاه ابن میثم، اگر شخصی معتقد به خداوند، پیامبر و عترت طاهرین (ع) و تمام فرمان‌های آنها باشد و آنها را به نحو احسن انجام دهد مسلمان و مؤمن است. اما اگر به همه این امور معتقد بود ولی به نحو احسن دستورها را اجرا نکرد، مسلمان هست ولی مؤمن نیست و فاسق محسوب می‌شود. یعنی عمل به ارکان را ندارد (اشعری، ۱۴۰۰: ۵۴). حاصل آنکه، علی بن اسماعیل در معنای ایمان به همان شاخصه‌هایی اشاره می‌کند که امام رضا (ع) به آنها اشارت دارد (علی بن موسی الرضا (منسوب)، ۱۴۰۶: ۱۴).

#### ۴.۲. توحید

**اثبات صانع؛** نقل است که علی بن اسماعیل در مجلس حسن بن سهل، با ملحدی مواجه شد. وقتی مجلس آرام گرفت، ابن میثم به ملحد گفت: «امروز چیز عجیبی دیدم که یک کشتی بدون ناخدا و کشتی بان مردم را جابه‌جا می‌کند». مرد زندیق گفت: «باور نکنید؛ چون او دیوانه است». حسن گفت: «چرا؟». گفت: «چطور ممکن است چیزی که فاقد عقل و شعور و حیات و نیرو است (کشتی)، بتواند مردم را جابه‌جا کند؟». علی گفت: «این کار شگفت‌انگیزتر است یا اینکه آب دریاها و نهرهایی که روی زمین جاری‌اند، یا درختان و گیاهانی که به سبب نزول باران سرسبزند؟! آیا تو گمان می‌کنی اینها خالق و تدبیرکننده‌ای ندارند؟» (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۷۶).

اراده خداوند؛ بنا به گزارش اشعری در مقالات الاسلامیین، شیعه در بحث از کیفیت اراده خداوند چهار گروه‌اند که یک گروه از آنها ابومالک حضرمی و علی بن میثم و تابعان آنان است. اشعری آورده است که آنان همچون هشام بن حکم و هشام بن سالم معتقدند اراده خداوند حرکتی است و خدا هر گاه اراده کند حرکتی می‌کند و بدین‌صورت آنچه او اراده کرده است واقع می‌شود. با این تفاوت که هشام اراده را نه خدا می‌دانست و نه غیر او؛ اما حضرمی و ابن‌میثم و تابعان آنان اراده را چیزی غیر از خداوند تلقی می‌کنند (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۱ و ۴۲).

در باب اراده خداوند و دیدگاه قدریه، مناظره‌ای از علی بن اسماعیل از زبان خود او در دست است. در این مناظره که میان ابن‌میثم و خادم قدری مسلک او رخ داده است، ابن‌میثم در حالی که خادمش او را عصبانی کرده از او می‌پرسد: «آیا خداوند به چیزی که آن را نمی‌خواهد امر می‌کند؟». پس از آنکه مرد قدری به این پرسش پاسخ منفی می‌دهد، ابن‌میثم از او می‌پرسد: «آیا خدا که ابراهیم را به ذبح فرزندش اسماعیل امر کرد، ذبح را اراده کرده بود؟». قدری از پاسخ درمانده و خدمت به ابن‌میثم را رها می‌کند<sup>۲</sup> (التیمی الأصبهانی، ۱۴۱۹: ۷۹/۲).

**ابن‌میثم و اتهام تشبیه و تجسیم؛ درباره هشام بن حکم و ابن‌میثم آمده است که** قائل‌اند به اینکه پیامبر اکرم (ص) خدا را در شکل جوانی به اندام دیده که سی سال از عمر او می‌گذشته و پایش سبز بود. او (خداوند) تا ناف میان‌تهی و بقیه‌اش، پُر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۲۴/۳). نیز قائل بوده است به اینکه خداوند را در قیامت می‌توان به چشم سر دید و دارای صورت و هیئت است (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۱۷۴؛ خیاط، ۱۴۱۳: ۶). در تفسیر آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵) نیز از او نقل کرده‌اند که مراد از نور، نوری به صورت و جسم انسان است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۲۴/۳). نقد این نسبت‌ها در این مجال نمی‌گنجد. در موضعی دیگر به تفصیل به نقد این سخنان پرداخته‌ایم (علی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۷).

به‌اجمال می‌توان ادعا کرد که نظر او در باب توحید آن است که خداوند خود خالق رنگ‌ها و کیفیت‌ها است و او که خود خالق است نمی‌تواند مخلوق هم باشد (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۰؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۳۴/۱).

## ۴.۳. نبوت

علم پیامبران؛ یکی از منابع علم پیامبر، کلام خدا است. علی ابن اسماعیل در روایتی نقل می‌کند که از امام صادق (ع) پرسیدند: «حضرت نوح (ع) از کجا می‌دانست که قومش فرزندی جز فاجر و کافر به دنیا نخواهند آورد؟». حضرت پاسخ می‌دهند: «آیا قول خداوند به حضرت نوح را نشنیدی که به او خطاب کرد: **أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ** (هود: ۳۶)؛ به جز کسانی که ایمان آورده‌اند کسی دیگر ایمان نخواهد آورد؟». در اینجا به صورت ضمنی به یکی از منابع علم پیامبران که علم الهی باشد اشاره شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۳۸۸/۲).

علم پیامبر اکرم (ص) به یقین با علوم پیامبران دیگر تفاوت دارد. زیرا خداوند آنچه را پیامبر اکرم (ص) در دوره خود و امت او در عصر فرانبوی نیازمند بوده فرستاده است (برقی، ۱۳۴۲: ۲۷۰/۱). ولی چون در خصوص پیامبران دیگر خاتمیت مطرح نبوده، علم آنها نیز در چارچوبی خاص قرار داشته و این‌گونه نبوده که دوره‌های مابعد خود را نیز بی‌نیاز کنند. این حدیث اشاره دارد به اینکه خداوند تمام امور لازم برای امت را ابلاغ کرده است و می‌تواند دلیل و نشانه‌ای بر امامت و زعامت اهل بیت (ع) بعد از حضرت رسول (ص) تلقی شود. زیرا بعد از حضرت، تکمیل شدن مسائل باید به دست کسانی باشد که بتوانند مسیر عاری از خطای حضرت را ادامه دهند و آن هم به دست اهل بیت (ع) بوده است.

**معجزات پیامبر اسلام (ص)؛** علی بن اسماعیل در حدیثی نقل کرده است که رسول خدا (ص) به یکی از یاران دستور ذبح حیوانی را دادند. صحابی مزبور پس از ذبح و خوردن حیوان به هنگام خروج از خانه همان حیوان را در جلوی درب خانه دید (صفار، ۱۴۰۴: ۲۷۳/۱).

## ۴.۴. امامت

## ۴. ۱. امامت عامه

**ضرورت وجود امام؛** علی بن اسماعیل در حدیثی در باب ضرورت وجود امام آورده است که خداوند متعال زمین را خالی از حجت و عالم نمی‌گذارد؛ حجتی که کم



می‌کند آنچه زیاد شده و زیاد می‌کند آنچه را که کم شده و اگر حجت خدا در زمین نباشد تمامی امور مردم به هم می‌ریزد و در زندگی آنها اختلال ایجاد می‌شود (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۴: ۳۵).

ابن میثم در ضمن حدیثی دیگر که به اصل ضرورت وجود نبی و امام در هر دوره‌ای اشاره می‌کند، آورده است که خداوند متعال در هیچ دوره‌ای زمین را خالی از عالم و حجت قرار نمی‌دهد (صفا، ۱۴۰۴: ۲۳۵/۱).

#### ۴. ۲. امامت خاصه

**نصب امام؛** علی بن اسماعیل روایتی را از طرق اهل سنت از برید اسلمی نقل کرده است که بر اساس آن پیامبر (ص) بعض اصحاب خویش را امر فرمود تا به علی به عنوان امیر مؤمنان (ع) سلام کنند. مردی به اعتراض گفت: «به خدا سوگند چنین نمی‌کنیم! چراکه نبوت و خلافت در یک خاندان جمع نمی‌شود!». پس این آیه نازل شد که: «أَمْ أَمْرًا فَيَأْتَا مَبْرُومًا أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُوبُونَ»<sup>۳</sup> (زخرف: ۷۹).

در مقابل کسانی که قائل‌اند نص صریح بر جانشینی آن حضرت وجود ندارد یا اگر هم موجود است نص بالوصف است، این سخن پیامبر (ص) می‌تواند نص صریحی بر جانشینی آن حضرت باشد و همین مسئله به دلالت التزامی درباره دیگر امامان (ع) نیز صادق است (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۵۳).

**بطلان گواهی انصار بر خلافت ابوبکر؛** ابن میثم در مناظره‌ای با ابوالهذیل به اثبات انتصاب امام بعد از رسول‌الله (ص) و باطل کردن دلیل اجماع که از طرف مخالفان مطرح شده، پرداخته است. در این مناظره، علی بن میثم از ابوالهذیل چنین می‌پرسد که: «اگر کسی در قضیه‌ای اقرار به دروغ‌گویی و ادای شهادت دروغین کرده باشد آیا شهادت او در همان واقعه برای دیگران نافذ و معتبر است؟». ابن میثم پس از آنکه پاسخ منفی ابوالهذیل به پرسش مزبور را می‌شنود، می‌پرسد: «پس چگونه انصار، نخست، امارت و خلافت بعد از رسول‌الله (ص) را برای خودشان ادعا کردند؟ سپس خود را در آن قضیه تکذیب کردند و بر اینکه خلافت حق ابوبکر است گواهی دادند؟» (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۴).

امامت امامان اثناعشر در کتب انبیای پیشین؛ میثمی در حدیثی جریان پرسش و پاسخ مردی یهودی با حضرت علی (ع) را نقل می‌کند. در بخشی از این حدیث حضرت علی (ع) می‌فرماید: «حضرت جبرئیل به پیامبر (ص) فرمود باید بدانی که جای پیامبر (ص) در جنت عدن است و آن بهشتی است که خداوند به دست خود آفریده و با او دوازده نفر از اوصیایش هستند. یهودی گفت به خدا قسم راست گفتی! چه اینکه این مطلب در کتاب داوود هست» (ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۴۶).

آیات نازل شده در شأن ائمه (ع)؛ چنان که در بحث نصب امام گذشت، بر اساس روایت برید اسلمی از رسول خدا (ص)، ابن میثم شأن نزول آیات ۷۹ تا ۸۰ سوره زخرف را اعتراض بعضی اصحاب به نصب علی (ع) به امارت بر مؤمنان می‌دانسته است (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۵۳).

ابن میثم نیز نقل کرده است که صعصعة بن صوحان، در حالی که حضرت امیر (ع) به دیدار او رفته بود، به آن حضرت عرضه داشت: «یا امیر المؤمنین! ما علمتک إلا أنك بالله لعیم و أن الله فی عینک لعظیم و أنك فی کتاب الله لعلی حکیم (زخرف: ۴) و أنك بالمؤمنین لرؤوف رحیم» (بحرانی، ۱۳۷۴: ۸۴۶/۴).

**افضل صحابه؛** دیدگاه منتسب به ابن میثم و پیروانش در بحث تقدیم مفضول بر فاضل این است که قائل اند به این مسئله که علی (ع) افضل و شایسته امامت و بهترین مردمان پس از پیامبر اکرم (ص) بوده است، اما امت مسلمان از جهت قبول ولایت ابوبکر و عمر مرتکب لغزشی نشده‌اند که بتوان به آن نام گناه داد، ولی از لحاظ اینکه ترک افضل کرده‌اند و از مفضول پیروی کردند کارشان نادرست بوده است و خطا کارند (اشعری، ۱۳۶۰: ۸). نیز از ابن میثم نقل شده است که یکی از علل قیام نکردن و سکوت حضرت نداشتن یار و همراه کافی بوده است. ابن میثم و پیروانش از عثمان دوری می‌جویند و محاربان با علی (ع) را کافر می‌دانند (نویختی، ۱۴۰۴: ۹).

**نص بر امامت علی (ع)؛** پیش تر به حدیث برید اسلمی از رسول خدا (ص) اشاراتی داشتیم. این حدیث، که ابن میثم مفاد آن را پذیرفته و نقل کرده است، از نصوص دال بر نصب علی (ع) به امارت بر مؤمنان محسوب می‌شود. طبق این حدیث پیامبر اکرم (ص) به اصحاب خود رو کرده و فرمود: «سَلِّمُوا عَلٰی عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ» (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۵۵۳).

در موضعی دیگر، علی بن اسماعیل به صراحت آورده است که در جانشینی بعد از رسول‌الله (ص) به نص و تنزیل عمل نشد (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۷۰)؛ و در جایی دیگر می‌گوید شخصی که بعد از پیامبر خود را جانشین ایشان می‌دانست و به نص تعیین نشده بود، غاصب حق اهل بیت (ع) و گمراه بود (همان: ۲۹).

علی بن میثم در باب دلیل اولویت علی بن ابی‌طالب (ع) بر ابوبکر در مسئله امامت آورده است اهل قبله بر اینکه امیرالمؤمنین (ع) وقت وفات رسول (ص) مؤمن، عالم و کافی بود اجماع داشتند، ولی درباره ابوبکر و اینکه چنین فضایی داشته باشد، اجماع نکردند. شخصی از ابن میثم پرسید: «چه کسانی در این مسئله مخالف‌اند؟». وی پاسخ داد: «من و اصحاب حال و گذشته‌ام» (همان: ۸۶).

ابن میثم می‌گوید هرچند خلافت بعد از رسول‌الله (ص) حق حضرت علی (ع) بود، آن حضرت از خوف اینکه مردم مرتد شوند آنان را به خود دعوت نکرد. او سکوت کرد. زیرا می‌دانست اگر اصل اسلام حفظ شود و مردم در گمراهی باشند، بهتر از این است که مرتد و کافر شوند (صدوق، ۱۹۶۶: ۱۴۹/۱).

ابن میثم رهبر فکری قطعی؛ پس از رحلت امام کاظم (ع)، گروهی که بخش اعظم شیعیان بودند، با توجه به وصیت آن حضرت و دلایل و شواهد کافی، امامت فرزند ایشان، علی بن موسی الرضا (ع) را پذیرفتند و وی را به عنوان امام هشتم تأیید کردند. این دسته که بزرگان اصحاب امام کاظم (ع) بودند به «قطعیه» مشهور شدند (اشعری، ۱۳۶۰: ۲۳۹). مقریزی در کتاب خود آورده که تفکر قطعیه از علی بن میثم و هم‌فکرانش به وجود آمده است. زیرا آنها در ارتباط با امامان خویش قائل‌اند که امامت از علی بن ابی‌طالب (ع) شروع شده و در امامان بعدی ادامه داشته است تا در علی بن موسی (ع) ختم شده است و امامت را در ایشان قطعی کرده‌اند (مقریزی، ۱۴۱۸: ۱۸۰/۴).

اما گروه دیگری از اصحاب امام هفتم (ع) از اعتراف به امامت علی بن موسی الرضا (ع) یا هر کس دیگری سر باز زدند و در امامت حضرت موسی بن جعفر (ع) توقف کردند. ابن میثم، که رهبر قطعیه بود، با آنها درباره امامت امام رضا (ع) مناظره کرد ولی در نهایت آنان لجاجت کردند و ابن میثم آنها را کلاب مملو خواند (اشعری، ۱۳۶۰: ۹۲).

مهدویت؛ ایشان درباره نشانه‌های قائم (ع) آورده است که قبل از قیام ایشان منادی از آسمان ندا می‌دهد و بعد فردی از اولاد پیامبر (ص) خروج می‌کند و فرمان به خروج می‌دهد (کشی، ۱۳۶۳: ۲۶۳).

#### ۴. ۴. ۳. گستره علم امام

از مباحث بسیار مهم درباره ویژگی‌های امامان (ع)، مسئله علم امام است. درباره علم ائمه (ع) مسائل مختلفی مطرح است که در روایات علی بن اسماعیل میثمی به برخی از آنها پرداخته شده است، از جمله:

**علم به خیر و شر عالم؛** در مسئله نصب امام، ابن میثم قائل به علمی عادی برای امام نیست. زیرا وقتی از ابوالهذیل پرسید که آیا امام تو به تمام خیر و شر آگاهی دارد و پاسخ منفی او را شنید، بدو گفت: «پس شیطان اعلم از امام تو است!». این سخن ابن میثم نشان می‌دهد که او به امامی که به همه امور، اعم از خیر و شر، عالم باشد اعتقاد دارد (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۳).

در بحث ضرورت وجود امام، به حدیث عبدالاعلی بن اعین از امام باقر (ع)، که ابن میثم آن را به واسطه ثعلبه بن میمون نقل کرده است، اشاره کردیم. در این حدیث امام (ع) فرموده‌اند: «خداوند زمین را از وجود عالمی که کم و زیاد موجود در روی زمین را می‌داند، خالی نمی‌گذارد. آنچه را که آنان [به دین] بیفزایند می‌کاهد و آنچه را کم گذارند می‌افزاید، و اگر چنین نبود، امور بر آنان مشتبه می‌شد»<sup>۴</sup> (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴: ۳۵).

این کلام خود به‌روشنی نشان از آن دارد که علم امام علمی عادی نیست. زیرا اگر علم ایشان مثل سایرین باشد دیگر نیاز به او نیست.

**علم به زبان‌های دیگر؛** ابن میثم در ضمن روایتی نقل می‌کند روزی اصحاب امام باقر (ع)، خدمت ایشان شرفیاب شدند. وقتی وارد دهلیز شدند متوجه صدای خوشی شدند که به زبان سریانی می‌خواند و می‌گریید تا اینکه آنها را نیز گریاند، ولی نفهمیدند چه می‌گوید. خیال کردند یک نفر از اهل کتاب است که می‌خواند. وقتی صدا قطع شد اصحاب وارد شدند، اما کسی را نزد امام (ع) ندیدند. پرسیدند: «یا ابن رسول الله! ما صدای زیبایی شنیدیم که به زبان سریانی می‌خواند». حضرت فرمود: «خودم بودم که مناجات الیاس پیامبر را به یاد آوردم و آن را خواندم و گریستم» (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۲۹۱).

نقل این دست از روایات می‌تواند بیانگر آن باشد که علی بن اسماعیل قائل به این بوده که امام می‌تواند به همه زبان‌ها سخن بگوید.

**علم به زبان حیوانات؛** ابن میثم درباره منطق الطیرداستن امام به قضیه‌ای از امام سجاد (ع) به نقل از ابو حمزه ثمالی اشاره می‌کند که روزی امام (ع) به من خطاب فرمودند که آیا می‌دانی این گنجشکان در خانه که صدا می‌دهند چه می‌گویند؟ به ایشان عرض کردم خیر. امام فرمودند خدا را تسبیح می‌گویند و درخواست رزق خود را می‌کنند (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۰۹/۴).

تا بدین جا روشن شد که ابن میثم به علمی فراعادی برای معصومان (ع) قائل بوده است. در مقابل این احادیث، ابن میثم جریان‌های دیگری درباره ائمه (ع) نیز نقل کرده است که درجه علم امام را همچون دیگر مردم تصویر می‌کند. از آن جمله روایتی است که ابن میثم در اصل خود آورده است و بر اساس آن زمانی که ماه رمضان می‌رسید امام سجاد (ع) هر روز صدقه می‌داد تا از فضیلت تصدق در شب قدر بهره‌مند شود (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۶۴/۱). این کلام می‌تواند بدین معنا باشد که امام (ع) نمی‌داند شب قدر در چه تاریخی است.

می‌توان گفت این عمل حضرت جنبه تعلیمی داشته است. احتمالاً ابن میثم نیز که در کنار نقل روایات پیش‌گفته این حدیث را نقل کرده چنین دیدگاهی داشته است.

#### ۴. ۴. ۴. منابع علم امام

یکی از مسائل مهم درباره علم امام، بحث از منابع آن است که در کتب روایی از آن به «جهات علم امام» تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۴/۱).

**تفضل الاهی؛** ابن میثم از مادرش و او از مادر حضرت رضا (ع) جناب نجمه نقل می‌کند که آن حضرت لحظاتی بعد از تولد به تسبیح و تمجید و تهلیل پرداخت. در این هنگام امام کاظم (ع) به نجمه‌خاتون فرمود که این فرزند و ذکرگفتن او از تفضلات الاهی است (صدوق، ۱۳۷۲: ۲۰/۱).

**مصحف فاطمه؛** مصحف فاطمه یکی از جهات بهره‌مندی علمی امام معصوم (ع) است. ابن میثم نیز به این نکته اشاره کرده و چنین آورده است که امام صادق (ع) پاسخ پرسشی در باب زکات را به سائل دادند. سپس عبدالله بن الحسن محضر امام (ع) رسید

و از ایشان پرسید این پاسخ را چگونه به دست آورده‌اید. حضرت فرمودند در کتاب مادرت فاطمه (س) آن را خواندم (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۳).

#### ۴. ۵. ولایت تکوینی ائمه (ع)

ابن میثم درباره ولایت ائمه (ع) آورده است که دنیا به دنبال ائمه است اما ائمه دنیا را نمی‌خواهند. مستند ابن میثم در این جریان قضیه‌ای از حضرت علی (ع) است که آن حضرت تعدادی سنگ در دستشان گرفتند. پس از آنکه دست مبارک را گشودند همه سنگ‌ها تبدیل به جواهر شده بود (صفار، ۱۴۰۴: ۳۷۵/۱). نیز ابن میثم از جدش میثم تمار نقل می‌کند شبی از شب‌ها امیرالمؤمنین (ع) مرا با خود از کوفه به خارج آن برد و به سوی صحرا می‌رفتیم. دیدم حضرت سر در چاه برده و تا نصف بدن خود را در چاهی سرازیر کرده و مشغول گفت‌وگو با چاه بود. او با چاه سخن می‌گفت و چاه پاسخ می‌داد (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۱۴۹).

قدرت به سخن در آوردن جمادات می‌تواند یکی از مصادیق ولایت تکوینی قلمداد شود.

#### نتیجه

هرچند علی بن اسماعیل میثمی از جایگاه علمی والایی در دانش کلام بهره‌مند است، ولی این ادعای ابن ندیم را که او نخستین کسی است که بر اساس مذهب امامیه «تکلم» کرده، محققانی همچون نجاشی نپذیرفته‌اند. در مقابل، محققان سرشناسی همچون شیخ طوسی، حلی، ابن داوود، قهپایی، خویی، مطهری و حسن‌زاده آملی آن را تلقی به قبول کرده‌اند. در این میان، برخی سخن ابن ندیم را بر ظاهر آن حمل کرده و ابن میثم را اولین متکلم امامی معرفی کرده‌اند؛ بعضی گفته‌اند مراد ابن ندیم معرفی نخستین کسی است که به صورت فنی، ساختارمند و رسمی به کلام پرداخته است؛ و دیگری نیز سخن ابن ندیم را به «نخستین مؤلف امامی در فن کلام» تفسیر کرده‌اند. مطالعه منابع در باب دیدگاه‌های اعتقادی علی بن اسماعیل نشان از آن دارد که صرف نظر از اعتقادات تشبیهی و تجسیمی منسوب به علی بن اسماعیل، دیگر اعتقادات او همسان دیدگاه‌های رایج امامیه امروزی است و شذوذاتی در آرای او به چشم نمی‌آید.

### پی نوشت ها

۱. هدیه العارفین از منابع معاصر اهل سنت است که اسماعیل پاشا بابانی (متوفای ۱۳۹۹ ه.ق.) در آن اسماء مؤلفان و آثار آنان را ذکر کرده است.
۲. «و قال علی بن میثم: کان رجل یخدمنا و کان قدریا، فغاظنی یوماً فقلت له: یامر الله بشیء لا یریده؟ قال: معاذ الله. قلت أمر الله إبراهیم أن یدبح إسماعیل؟ قال: نعم. قلت: فأراده - یعنی الذبح - فسکت. فكان لا یخدمنی بعد ذلك».
۳. «عَنْ بُرَيْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ سَلَّمُوا عَلَيَّ عَلَى بَأْمَرَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ لَأَ وَاللَّهِ لَأَ يَجْتَمِعُ النَّبِيُّ وَالْخَلِيفَةُ فِي أَهْلِ بَيْتِ أَبَدًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُمَّ أِبْرَمَوا ...».
۴. «مَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ، يَنْقُصُ مَا زَادُوا، وَ يَزِيدُ مَا نَقَصُوا، وَ لَوْ لَأَ ذَلِكَ لَأَخْتَلَطْتُ عَلَى النَّاسِ أُمُورَهُمْ».

## منابع

قرآن کریم.

- ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن ہبہ اللہ (۱۴۰۴). شرح نہج البلاغۃ لابن أبی الحدید، قم: مکتبۃ آیۃ اللہ المرعشی النجفی، الطبعة الاولى.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱). کتاب الفہرست، تحقیق: رضا تجدد، بی جا: انتشارات اساطیر، چاپ دیا، چاپ اول.
- ابن بابویہ قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا (ع)، تہران: نشر صدوق، چاپ اول.
- ابن بابویہ قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی (للصدوق)، تہران: کتابچی، چاپ ششم.
- ابن بابویہ قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۹۶۶/۱۳۸۵). علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول.
- ابن بابویہ قمی، علی بن حسین (۱۴۰۴). الامامة والتبصرة من الحيرة، قم: مدرسة الامام المهدي (عج)، الطبعة الاولى.
- ابن بطریق، یحییٰ بن حسن (۱۴۰۷). عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، الطبعة الاولى.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی (۱۳۴۲). الرجال (لابن داود)، تہران: دانشگاہ تہران، چاپ اول.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹). إقبال الأعمال (ط القديمة)، تہران: دار الکتب الاسلامیة، الطبعة الثانية.
- ابن عقده کوفی، احمد بن محمد (۱۴۲۴). فضائل أمير المؤمنين (ع)، قم: دلیل ما، چاپ اول.
- ابن مشہدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹). المزار الكبير (لابن المشهدی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹). تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى.
- اشعری قمی، سعد بن عبداللہ (۱۳۶۰). المقالات والفرق، تہران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم.
- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰). مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، آمان- ویسبادن: فرانس شتاینر، چاپ سوم.
- البابانی البغدادی، اسماعیل بن محمد (۱۹۵۱). هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، استانبول: طبع بعناية وكالة المعارف الجليلة فی مطبعتها البهية، أعادت طبعه بالأوفست: بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- بحرانی، سید ہاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة بعثة، الطبعة الاولى.



شخصیت و آرای کلامی علی بن اسماعیل میثمی / ۲۱

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۱). *حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آلہ الأطهار (ع)*، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، الطبعة الأولى.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). *رجال البرقی، الطبقات*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

تجلیل تبریزی، ابوطالب (۱۳۶۳/۱۴۰۴). *معجم الثقات و ترتیب الطبقات*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

التستری، محمدتقی (۱۴۱۵). *قاموس الرجال*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.

التفرشی، السيد مصطفی (۱۴۱۸). *نقد الرجال، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت (ع) لاهیاء التراث*، قم: المطبعة ستارة، الطبعة الأولى.

التمیمی السمعانی المروزی، عبدالکرم بن محمد (۱۹۶۲/۱۳۸۲). *الانساب للسمعانی*، المحقق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، هند - حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، الطبعة الأولى.

التیمی الأصبهانی، اسماعیل ابن محمد (۱۹۹۹/۱۴۱۹). *الحجة فی بیان المحجة و شرح عقيدة أهل السنة*، تحقیق: محمد بن ربیع بنهادی عمیر المدخلی، الریاض: دار الایة.

حسنی زاده آملی، حسن (۱۳۶۵). *هزار و یک نکته*، تهران: رجاء، چاپ پنجم.  
حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی (۱۳۶۴). *تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام*، تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.

الحسینی العبیدی (المقریزی)، أحمد بن علی (۱۴۱۸). *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.

حلی، الحسن بن یوسف (۱۴۱۱). *رجال العلامة الحلی*، تحقیق: السيد محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: دار الذخائر، الطبعة الثانية.

الخطیب البغدادی، احمد بن علی (۲۰۰۲/۱۴۲۴). *تلخیص المتشابه فی الرسم و حماية ما اشکل منه عن بوارد التصحيف والوهم*، منشورات: محمد علی بیضون، بیروت: دار الکتب العلمیة.  
الخطیب البغدادی، احمد بن علی (بی تا). *تاریخ البغداد او مدينة السلام*، بیروت: دار الکتب العلمیة.

الخیاط المعتزلی، عبدالرحیم بن محمد (۱۹۹۳/۱۴۱۳). *كتاب الانتصار والرد علی الراوندی الملاحد*، تحقیق: الدكتور نبیرج، بیروت: بی نا، الطبعة الثانية.

الذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۸/۱۴۱۹). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بی جا: دار الکتب العربی، الطبعة الثالثة.

الشیبانی (ابن الاثیر)، علی بن ابی الکریم (۱۹۸۹/۱۴۰۸). *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الأولى.

- صغار، محمد بن حسن (١٤٠٤). *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، الطبعة الثانية.*
- طوسي، محمد بن الحسن (١٤٠٧). *تهذيب الأحكام، تحقيق: خراسان، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ چهارم.*
- طوسي، محمد بن حسن (١٣٧٣). *رجال الطوسي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة الثالثة.*
- طوسي، محمد بن حسن (١٤٢٠). *فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول (للطوسي) (ط، الحديثة)، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، الطبعة الاولى.*
- علي بن موسى (١٤٠٦). *صحيفة الامام الرضا (ع)، مشهد: كنگره جهاني امام رضا (ع)، چاپ اول.*
- علي پور، اميد (١٣٩٤). *شخصيت و آراي كلامي علي بن اسماعيل بن شعيب بن ميثم تمار، استاد راهنما: محمد غفوري نژاد، استاد مشاور: محمدمحسن طبسي، پايان نامه كارشناسي ارشد كلام اسلامي، دانشكده شيعه شناسي دانشگاه اديان و مذاهب.*
- فتال نيشابوري، محمد بن احمد (١٣٧٥). *روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط، القديمة)، قم: انتشارات رضی، چاپ اول.*
- قمي، علي بن ابراهيم (١٤٠٤). *تفسير القمي، قم: دار الكتاب، چاپ سوم.*
- القهبائي، علي (١٣٨٤). *مجمع الرجال، صححه و علّق عليه المحقق: السيد ضياء الدين الشيهري بالعلامة الاصفهاني، اصفهان: بي نا.*
- كشي، محمد بن عمر (١٣٦٣). *رجال الكشي، اختيار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول.*
- كليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧). *الكافي (ط الاسلاميه)، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ چهارم.*
- مجلسي، محمد باقر (١٩٩٥/١٤١٥). *رجال المجلسي، ترتيب: عبدالله السبزي الحجاج، بيروت: مؤسسة الاعلمي للطبوعات، الطبعة الاولى.*
- مجلسي، محمدباقر (١٣٦٣). *بخش امامت (ترجمه جلد ٢٣ تا ٢٧ بحار الأنوار)، ترجمه: موسى خسروي، تهران: اسلاميه.*
- مددي، سيد احمد (٨٦/٢/٢٦). *فايل صوتي محاضرات رجالي.*
- المسعودي، علي بن الحسين (١٩٦٦/١٣٨٥). *مروج الذهب للمسعودي، تحقيق: يوسف اسعد داغر، بيروت: دار الاندلس.*
- مطهري، مرتضى (١٣٧٧). *مجموعه آثار استاد شهيد مطهري، تهران: انتشارات صدرا.*
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ الف). *الفصول المختارة، قم: كنگره شيخ مفيد، چاپ اول.*
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ ب). *الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لالفة الشيخ المفيد، چاپ اول.*

## شخصيت و آراى كلامى على بن اسماعيل ميثمى / ٢٣

الموسوى الخوئى، السيد ابوالقاسم (١٣٩٨/١٩٧٨). معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، النجف الاشرف: منشورات مدينة العلم، آية الله العظمى الخوئى، الطبعة الاولى. نجاشى، احمد بن على (١٣٦٥). رجال النجاشى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة السادسة. نوبختى، حسن بن موسى (١٤٠٤). فرق الشيعة، بيروت: دار الأضواء، الطبعة الثانية.

